

## کنکاشی در مقاله «بن گوریون از بنیانگزاران رژیم صهیونیستی – از ابتدای تاسیس حکومت اسرائیل بهائیان همواره روابط صمیمانه با دولت اسرائیل داشته اند» در سایت رهپویان

مطالب ارائه شده در این مقاله همان اتهاماتی است که از طرف آقای عبدالله شهبازی بدون ارائه هیچگونه سند و مدرکی در مقاله جستارهایی از تاریخ بهائیگری در ایران زده شده است. در کتاب «کنکاشی در بهائی ستیزی شهبازی» به این اتهامات جواب کافی و شافی داده شده است. علاقه مندان میتوانند به آنجا ویا به سایت [www.ohamzodai.com](http://www.ohamzodai.com) مراجعه فرمایند.

کرارا گفته شده است که بهاءالله بدستور دو پادشاه مسلمان عثمانی و ایران و برخلاف میل و علاقه خود در اوت ۱۸۶۸ از ادرنه به عکا که در آن زمان جزو مستعمرات عثمانی بود تبعید میشود. دولت اسرائیل ۸۰ سال بعد از ورود بهاءالله به عکا تشکیل شده است. تهمت وابستگی بهائیان به اسرائیل به همان اندازه بی معنی است که شیعیان را وابسته به دولت عراق بنامیم. چون زیارتگاه و محل اقامت روحانیون شیعه در عراق است.

دولت اسرائیل بعنوان یک حکومت سکولار آزادی همه مذاهب و ادیان را تضمین کرده است. فرق اساسی بین یک حکومت مذهبی و یک حکومت سکولار که شما مثل جن از بسم الله از آن میترسید، در همین مسئله است که در حکومتهای سکولار طرفداران همه مذاهب و ادیان از آزادی بیان و عقیده برخوردار هستند. مثل آمریکا، فرانسه، آلمان، انگلیس و غیره. برای مثال خانم محجبه ای در ترکیه بنام Merve Kavakci که قصد داشت با حجاب وارد مجلس ترکیه شود با مخالفت شدید نمایندگان روبرو شد و نهایتاً مجبور به ترک پارلمان گردید. اما نامبرده فعلاً در پایتخت امریکا و در دانشگاه جورج واشنگتن با همان حجاب مشغول تدریس است و دو دختر محجبه ایشان به سنهای ۱۵ و ۱۶ سالگی با رعایت حجاب اسلامی مشغول بازی بسکتبال هستند. (مجله Spiegel ماه جولای ۲۰۰۶ ص ۱۰۲)

نمونه دیگر: امامان ترکیه با عبا و عمامه در تلویزیون آلمان ظاهر می شوند و عقاید خود را آزادانه اعلام می دارند. در حالی که در کشور ترکیه چنین امکانی به آنها داده نمی شود. کافی است به تعداد مساجدی که در آلمان ساخته شده و در دست ساختمان است نگاه بفرمائید تا مسئله روشن شود. این است آزادی مذاهب در کشورهای سکولار و آن است وضع اقلیت های مذهبی در کشورهای مذهبی مثل ایران، عربستان سعودی و غیره.

آنچه مربوط به رابطه جامعه بهائی با دولت اسرائیل است بارها نوشته شده است که بهائیان در اسرائیل به هیچ وجه دارای حقوق ویژه ای نبوده و نیستند. آنها از همان حقوقی برخوردار هستند که سایر مذاهب هم برخوردار می باشند. برای اثبات این نظریه به نامه های که بین قاضی شاندر ستروم و شوقی ربانی مسؤل آن زمان جامعه جهانی بهائی نوشته شده است اشاره میشود. قاضی نامبرده از طرف جامعه بین الملل مأمور تحقیق درباره گروههای ساکنین فلسطین بوده است. متن نامه قاضی نامبرده به شوقی ربانی چنین است:

«از طرف لجنه مربوطه خود مأمورم که با نهایت دقت در مصالح دینی اسلام و یهود و مسیحیت در فلسطین تحقیقات کامله نمایم... بینهایت سبب تشکر و امتنان من خواهد بود که آنجناب نیز بعلت مصالح دینی بهائی و اهمیت تاریخی این سرزمین برای اطمینان بیانیته ای ارسال فرمائید» (روحیه ربانی، گوهر یکتا، ص ۴۳۰)

شوقی ربانی در جواب قاضی نامبرده در ۱۴ جولای ۱۹۴۷ چنین می نویسد:

«... وضع بهائیان در این کشور بدلائلی منحصر بفرد است. بیت المقدس هر چند که مرکز روحانی مسیحیان است ولی مرکز اداری آنان نیست و این قضیه نه فقط درباره کلیسای رُم صادق است بلکه شامل جمیع فرق مسیحی میگردد. و نیز با آنکه ثانی الحرمین در عالم اسلام شمرده میشود و لکن حرم اعظم شریعت اسلام و مرکز حج آنان در عربستان است نه فلسطین. فقط پیروان شریعت حضرت

موسی هستند که علاقه ای بموازات علاقه و بستگی بهائیان باین سرزمین دارند زیرا بیت المقدس شامل بقایای هیکل سلیمان و مرکز مؤسسات دینی و سیاسی ایشان است که علانق محکمی با تاریخ گذشته این قوم دارد. نه فقط در يك امر با بهائیان فرق پیدا میکنند و آن اینست که مؤسسین ثلاثه عظمای امر بهائی هر سه در این کشور بخاک سپرده شده اند لذا این سرزمین نه فقط مرکز زیارت بهائیان در جمیع انحاء عالم است بل مرکز دائمی تشکیلات بهائی نیز هست که اینجانب افتخار قیادت آنرا دارم .

شریعت حضرت بهالله بالمره از سیاست جداست هرگز در این مناقشات حزن انگیزی که درباره مستقبل این کشور اجرا میگردد طرفداری از فردی بر ضد دیگر نکرده ایم و در این باره بیانیه ای و یا اشاره که متضمن چگونگی وضع سیاسی این مرز و بوم در مستقبل ایام باشد هرگز از افراد جامعه بهائی و شخص اینجانب صادر نخواهد شد. هدف ما تأسیس صلح عمومی در جهان است مقصد ما اجرای عدالت در جمیع طبقات عالم انسانی است یعنی حتی در سیاست جهان بایستی عدالت مجری گردد و چون بسیاری از نفوس که بشرف ایمان فائز شده اند از اصل کلیمی و مسلمان میباشند لذا ابداً تعصبی بهیچ فرقه ای بر ضد فرق دیگر نداریم و بینهایت مشتاقیم که آنان را با یکدیگر صلح و صفا دعوت نمائیم زیرا تنها بدین طریق است که صلاح و مصلحت افراد آنان و کشورشان محفوظ و مأمون میماند .

آنچه مربوط بماست اینست که هر تصمیمی درباره مستقبل این سرزمین اتخاذ گردد و هر کس حاکم بر این کشور شود این نکته را بشناسد که شهر عگا و حیفا مرکز روحانی و اداری شریعت جهائی بهائی است و نیز معترف بر استقلال شریعة الله گردند و بهائیان حق آن را داشته باشند که اداره امور خود را از این سرچشمه بنمایند و نیز ببهائیان اطراف جهان حق زیارت و تشرّف بمقامات مقدسه بهائی داده شود تا مانند یهود و مسیحی و مسلمان که حق زیارت بیت المقدس را دارند آنان نیز بشرف زیارت ارض اقدس نائل گردند این حقوق را معتبر دانند و معترف شوند و الی الابد محفوظ و مصون بدارند .

ضریح حضرت اعلی در کوه کرمل ، مرقد مطهر حضرت عبدالهبا در همان ساختمان است مسافرخانه بهائی برای ورود و پذیرائی زائران شرقی است ، حدائق وسیعه که دائماً برای عموم ناس مفتوح است و طبقات که از هر جهت این حدائق را میگیرد و مسافرخانه غربی در دامنه کوه کرمل ، و مسکن رسمی رئیس جامعه بهائی و بیوت خاصه و حدائق عکامربوط بسجن حضرت بهالله و روضه مقدسه مبارکه در مرج عگا و قصر بهجی که تاریخی و محفظه آثار است و برای تماشای نفوس از هر ملت و مذهبی آزاد است و اراضی کرمل و مرج عگا کلّ از مستملکات بهائی در ارض اقدس محسوب میگردد و نیز بایستی ملحوظ گردد که جمیع این اماکن و اراضی چون اوقاف دینی میباشند از پرداختن مالیات کشوری و بلدی معافند و بسیاری از طبقات این اراضی و املاک بنام شعب محافل روحانیه ملی در فلسطین ثبت و مسجل

شده و در مستقبل ایام بقیه محافل جهان سهمی از این اوقاف بین المللی بهائی بوده و بنام شعبه محافل خود در فلسطین تسجیل خواهند نمود.

بعلت همین اطلاعات و ملاحظات فوق است که از آنجانب و اعضا لجنه شما در خواست میشود که هر نقشه ای برای مستقبل فلسطین پیشنهاد و اتخاذ میگردد شخص شما و همکارانتان و اعضا لجنه فلسطین ملاحظه نمایند که حفظ و حراست حقوق بهائی را در این ارض بجامعه ملل توصیه و تسلیم نمایند .

در این موقع لازم میدانم مراتب تحسین و تمجید خود را از طرز تحقیق و تفحص احوال در این کشور مملو از اضطرابات ابراز نمایم امیدوارم و دعا مینمایم که نتیجه فعالیت های شما نشر عدالت باشد تا بسرعت مشکل خاتمانسوز که در فلسطین ایجاد گردیده حلّ و فصل گردد دوست صمیمی شما \_ شوقی ربّانی ولی امر بهائی.» (همانجا ص ۴۳۰ الی ۴۳۲)

از متن این نامه رسمی مسئول تشکیلات بهائیان در جهان رابطه بهائیان با هر حکومتی که در اسرائیل در سر کار باشد دقیقاً مشخص کرده است.

در نامه ای که اخیراً بدست ما رسیده بیت العدل مرکز جهانی بهائی در نامه ای که به سراسر جهان فرستاده است راجع به وقایع اخیر لبنان چنین اظهار نظر کرده است:

«قربانیان بی گناه هر دو سوی این مخاصمه را در ادعیه صمیمانه خود به یاد آریم و تسلی قلوب محزون آنان را از درگاه الهی مسئلت نمائیم.» تاریخ این نامه ۱۷ اوت ۲۰۰۶ است.

بدین ترتیب کاملاً مشخص میشود که بهائیان از هیچ گروه و حزب و دولتی طرف داری نمی کنند. آنهایی که ادعا میکنند «فرقه بهائیت فرقه ای از صهیونیسم به شمار میرود» باید بدانند که نه از اسلام و نه از بهائیت و نه از صهیونیسم کوچکترین اطلاعی دارند.

این مسئله آنچنان بی معنا و بی ربط است که هرگونه بحثی را غیر ضروری می سازد. اشاره بسخنان یک نفر بهائی بنام فریدون رامش فر کردن و آن را دلیل رابطه نزدیک بهائیان با دولت اسرائیل نامیدن آنچنان ابلهانه است که بقول عوام مرغ پخته را در دیگ پیرواز در میاورد.

شما ادعا میکنید که حکومت شاه قصد برسمیت شناختن بهائیان را داشته است. و به او ایراد میگیرید. ما هم به شاه ایراد داریم که چرا بهائیان را بعنوان یک آئین، مذهب و یا دین و یا هرچه که خود می گویند در سرزمین آبا و اجدادی شان به رسمیت نشناخت. شما به ما بگویند از زمان شاه اسماعیل صفوی تا به امروز که علمای شیعه که همه کاره کشور بوده اند چه تاج گلی بر سر کشور ایران و مردم ایران زده اند. عباس عسکری مسلمان مرد شماره دو گروه «فرقان» در بازجویی خود در دادگاه چنین می گوید: «از دوران صفویه به بعد روحانیت همواره در کنار رژیم فاسد حاکم بر کرده مردم سوار بوده و به تحمیل آنها پرداخته است.» (جریانها و سازمانهای مذهبی سیاسی ایران، رسول جعفریان ۱۳۸۵، ص ۵۵۱)

شما خود بهتر از بقیه میدانید که این نظریه امروز نظر اکثر روشنفکران اسلامی است. درباره قصه نفوذ بهائیان از زمان نخست وزیری منصور و طرح این گونه مسائل بدون ارائه مدرک و دلیل و فقط به صرف ادعا، نشان دهنده بی مایگی و بی اطلاعی نویسنده است و لاغیر.

وانگهی چرا بهائیان، زرتشتیان، ارامنه و یهودیان در ایران وزیر و وکیل نشوند. آیا کشور دیگری را در جهان میشناسید که مقامات دولتی را بطرفداران دین و مذهب خاصی اختصاص بدهند؟ اقلیتهای قومی و مذهبی حتماً بسرنوشت کشور بیشتر از شماها علاقه مند هستند. آن شماست که ملت و ملی گرانی را کفر میدانید و دم از امت اسلامی می زنید. ای کاش که دگراندیشان مذهبی بیشتر در سرنوشت کشور دخالت میکردند. مگر میدانید که رشد فرهنگی، اقتصادی و صنایع اروپا بر اثر شرکت دگراندیشان شروع شد؟ آیا علت اصلی عقب ماندگی جامعه ما در عدم حضور دگراندیشان در صحنه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور نبوده است؟ شما متأسفانه موفق شده اید دگراندیشان را چنان بترسانید که مجبور شوند برای بی گناهی خود اثبات کنند که مقامی نداشته اند. آیا اشکال اینک یک غیرمسلمان وزیر شود در کجا است؟ و حسنی که یک شیعه ۱۲ امامی وزیر شود در چه مطلبی است؟ اگر علاقه مندید این مسئله را مطرح بفرمائید و محاسن آن را برای خوانندگان شرح دهید.

بنظر ما در ایران باید احراز پست و مقام فقط و فقط منوط به صلاحیت و کارائی افراد باشد، نه وابستگی آنان بدین و عقیده خاصی. در هیچ یک از کشورهای پیشرفته جهان نمیتوانید حتی یک نمونه نشان بدهید که وابستگی مذهبی یک فرد دلیل احراز پست و مقامی باشد. زمان آن رسیده است که شما هم حد اقل قدمی به جلو بردارید، حقوق افراد جامعه را برسمیت بشناسید و با تفکرات قرون وسطایی خود خداحافظی کنید. از خداوند بزرگ مسئلت مینمائیم که همه را به راه راست هدایت فرماید.

گروه آریا